فصلنامه علمي اقتصاد و بانکداري اسلامي، شماره ..... ، فصل سال ۰- صفحات ۲۲-۱

الگوی محدودسازی انحراف مصرف تسهیلات

در صنعت بانکداری با رویکرد رئالیسم انتقادی

نوع مقاله: پژوهشی

وحید رهنمای بناب[۱]
یعقوب اقدم مزرعه[۲]
رسول برادران حسن‌زاده[۳]
یونس بادآور نهندی[٤]

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین و واکاوی عوامل مؤثر بر انحراف مصرف تسهیلات بانکی و تدوین راهبردهای کارآمد جهت پیشگیری و محدودسازی این پدیده در نظام بانکداری کشور تبیین شده است. این مطالعه از منظر هدف، در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای-کاربردی قرار دارد و جهت پاسخ‌گویی به مسئله پژوهش، از رویکرد روش‌شناختی آمیخته (کیفی-کمی) بهره جسته است. همچنین دوره زمانی انجام پژوهش سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ می‌باشد. در فاز کیفی پژوهش، ابتدا با کاربست روش نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری)، شاخص‌ها و مقوله‌های کلیدی اثرگذار بر انحراف مصرف تسهیلات احصاء گردید. جامعه آماری این بخش را نخبگان حوزه بانکداری، متخصصان دانشگاهی و کارشناسان رسمی دادگستری در امور بانکی تشکیل دادند که مشارکت‌کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و از طریق مصاحبه‌های ساختاریافته داده‌های کیفی مورد واکاوی قرار گرفتند. در فاز کمی، به منظور اعتبارسنجی الگو و سنجش میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های نوظهور، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته بر پایه مفاهیم استخراج‌شده از بخش کیفی طراحی گردید. جامعه آماری این مرحله شامل مدیران ارشد، رؤسای شعب بانکی، اساتید دانشگاهی و دانشجویان دکتری بانکداری و مهندسی مالی تشکیل یافتند که با فرمول کوکران نمونه‌گیری شدند. تحلیل داده‌های این بخش با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و به کمک نرم‌افزار PLS3 صورت پذیرفت. یافته‌ها نشان داد که عوامل مؤثر و تعیین‌کننده بر انحراف مصرف تسهیلات بانکی شامل: نوسانات نرخ ارز و بازار پول، تداخل بانکی و تجاری، محدودیت مالی بین‌المللی، برآیند ساختارهای نهادی، ابزارهای نظارت مالی، تخصیص بهینه منابع و مصارف بانکی، تورم و سود ثابت، مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی، سامانه پایش مصرف، سیاست‌زدگی مدیریتی، خلأ و نقص قوانین و نظارت و قراردادهای مشارکتی می‌باشند که در این میان، محدودیت مالی بین‌المللی و نوسانات نرخ ارز و بازار پول به ترتیب بیشترین تأثیر و مؤلفه برآیند ساختارهای نهادی کمترین تأثیر را در انحراف مصرف دارند. همچنین، تقویت ابزارهای نظارت مالی و تخصیص بهینه منابع و مصارف بانکی از مؤلفه‌های نوظهور بسترساز برای محدودسازی انحراف مصرف تسهیلات تبیین شد.

کلیدواژه‌ها: انحراف مصرف تسهیلات، بنگاه‌داری در بانک‌ها، مطالبات معوق، ریسک وصول، رئالیسم انتقادی
طبقه‌بندی JEL: G21، G28، E51، E58، D82، G32، O16

---

۱ گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران 1583410732@iau.ir
۲ گروه حسابداری، واحد صوفیان، دانشگاه آزاد اسلامی، صوفیان، ایران (نویسنده مسئول) aghdam.acc@iau.ac.ir
۳ گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. 1375801041@iau.ir
٤ گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایرن. 1378282493@iau.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

مقدمه

صنعت بانکداری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مالی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تجهیز و تخصیص منابع، هدایت وجوه به سمت فعالیت‌های مولد و پشتیبانی از رشد اقتصادی ایفا می‌کند. در اقتصادهایی که تأمین مالی عمدتاً از مسیر بازار پول و شبکه بانکی انجام می‌شود، بانک‌ها مهم‌ترین واسطه‌های انتقال منابع از واحدهای دارای مازاد نقدینگی به واحدهای نیازمند تأمین مالی به شمار می‌روند (آکس و همکاران[1]، ۲۰۲۵؛ ایبوزوکی و کامینسکی[2]، ۲۰۲٤). در این چارچوب، بانک‌ها علاوه بر ایفای نقش واسطه‌گری مالی، زمینه تأمین مالی از طریق جذب سپرده‌ها و تبدیل آن‌ها به تسهیلات، تأمین مالی بلندمدت و حمایت از سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کنند (پاراسیزبل[3]، ۲۰۲۲). بانک‌ها در امور مالی مدرن نقش مهمی در واسطه‌گری مالی دارند و نه‌تنها بستر مناسب برای واپایش بازار پول محسوب می‌شوند، نهادی مؤثر در بازسازی اقتصاد و تأمین ثبات بلندمدت و پایداری در اقتصاد کلان نیز به شمار می‌روند. نظریه واسطه‌گری مالی نیز بر همین اساس مطرح شده است که نقش بانک‌ها در اقتصاد، فراهم‌نمودن نقدینگی برای تأمین مالی بلندمدت و تأمین دارایی‌های غیرنقد در کوتاه‌مدت است (کاسو و همکاران[4]، ۲۰۲٦). بانک‌ها از طریق خلق نقدینگی و تأمین مالی، دارایی‌های غیرنقدی را از طریق جذب سپرده‌های بانکی انجام می‌دهند (شاهچرا و طاهری، ۱۳۹٦). کاسو و همکاران (۲۰۲٦) معتقدند که وظیفه اصلی بانک‌ها هدایت وجوه از واحدهای دارای مازاد وجه نقد به واحدهای دارای کسری نقد است. به عبارتی، آن‌ها با تبدیل سپرده‌های نقدی کوچک و ریسک‌گریز به وام‌های غیرنقدی بزرگ‌تر که در معرض ریسک بالاتری قرار دارند (تابع انتقال)، نیازهای مختلف وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان را با یکدیگر تطبیق می‌دهند.

باوجود کارکردهای بنیادین این صنعت، نظام بانکی ایران به‌طور فزاینده‌ای با چالش ساختاری انحراف مصرف تسهیلات مواجه است. انحراف مصرف تسهیلات زمانی رخ می‌دهد که منابع اعتباری به‌جای آنکه در فعالیت‌های هدف‌گذاری‌شده، تولیدی و اشتغال‌زا به کار گرفته شوند، به سمت مصارف غیرمولد، سفته‌بازانه یا خارج از قرارداد هدایت شوند؛ وضعیتی که می‌تواند کارایی اعتبارات بانکی را به‌شدت تضعیف کند و اثربخشی سیاست‌های اعتباری را کاهش دهد (نیک‌قلب و حق‌شناس، ۱٤۰۳؛ بانکر و فانگ[5]، ۲۰۲۳). در این راستا، برخی مطالعات درباره نظام بانکی ایران نشان داده‌اند که ویژگی‌هایی نظیر ابهام اطلاعاتی بانک‌ها و سهل‌گیری نظارتی، زمینه‌ساز تداوم رفتارهای پرریسک و انحراف از مأموریت واسطه‌گری مالی شده است. همچنین شواهدی از بازار بانکی ایران نشان می‌دهد که ساختار مالکیت و رفتارهای نهادی بانک‌ها بر نحوه تصمیم‌گیری اعتباری و تخصیص بهینه منابع اثرگذار است (اثنی‌عشری، ۱۳۹٥؛ پاک‌مرام و همکاران، ۱۳۸۹). در گزارش مشورتی صندوق بین‌المللی پول درباره شرایط بانک‌ها در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و آسیای مرکزی و غربی، ضعف‌های ساختاری

1 Ax et et al
2 Ibusuki & Kaminski
3 Parasız
4 Casu et al
5 Banker & Fang

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

نظام بانکی، ضرورت تقویت نظارت و اهمیت اصلاح سازوکارهای مالی برای ارتقای ثبات اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته است (صندوق بین‌المللی پول[1]، ۲۰۲۰). این گزارش مؤید آن است که تداوم انحراف در مصرف تسهیلات، نه‌تنها کارکرد واسطه‌گری بانک‌ها را مخدوش می‌کند، بلکه می‌تواند به تشدید ناکارایی تخصیص منابع و کاهش اثربخشی سیاست‌گذاری پولی نیز منجر شود. باوجود اهمیت موضوع، پدیده انحراف مصرف تسهیلات کمترین موردتوجه پژوهش‌های داخلی قرار گرفته است. اگرچه مطالعات متعددی همچون: کیشان و اپیلا[2] (۲۰۰۰)، گامباکورتا و میسترولی[3] (۲۰۰٤)، بروسپید و اج[4] (۲۰۱۰)، بارث و همکاران[5] (۲۰۱٤)، لابون و لیم[6] (۲۰۱٤)، کوساک و همکاران[7] (۲۰۱۵) و اولسزاک و همکاران[8] (۲۰۲٤) به بررسی پیامدهای تسهیلات بی‌ضابطه و فعالیت‌های غیربانکی بر عملکرد مؤسسات مالی پرداخته‌اند، اما نتایج این پژوهش‌ها با اهداف و مسئله اصلی پژوهش حاضر از چندین منظر متمایز است. نخست، ناهمگونی ساختاری در نمونه‌های موردمطالعه است که پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر مبنای ساختار بانک‌های تجاری، معاملاتی و شرکت‌های هلدینگ در اقتصادهای توسعه‌یافته استوار هستند و با ماهیت ساختار بانکداری ایران تفاوت ماهوی دارند. دوم، تفاوت در عوامل حاکم بر محیط کلان است؛ یعنی، برخلاف اقتصادهای توسعه‌یافته، نظام بانکی ایران تحت تأثیر متغیرهای منحصربه‌فردی نظیر محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، عدم دسترسی به شبکه‌های مالی جهانی و نظارت‌های سخت‌گیرانه گروه ویژه اقدام مالی قرار دارد. سوم، ویژگی‌های نهادی و حقوقی است. برخلاف الگوهای غربی، در ایران پدیده انحراف مصرف تسهیلات با ابعاد گسترده‌تری بروز یافته و فرایند تسهیلات‌دهی نیز تحت‌تأثیر موازین بانکداری اسلامی و ساختار قراردادهای مبتنی بر مشارکت قرار دارد که پیچیدگی‌های شناسایی انحراف مصرف را دوچندان می‌کند. بر این اساس، پژوهش حاضر باهدف پر کردن شکاف پژوهشی اشاره‌شده، بر جنبه‌های علّی و معلولی انحراف مصرف تسهیلات تمرکز می‌کند. نوآوری دیگر این پژوهش، بهره‌گیری از تئوری رئالیسم انتقادی است که پشتوانه نظری پژوهش حاضر محسوب می‌شود. بهره‌گیری از این نظریه این امکان را فراهم می‌سازد تا فراتر از مشاهدات سطحی، به واکاوی سازوکارهای زیربنایی و ساختارهای عمیقی بپردازد که موجب بروز این ناهنجاری‌ها می‌شود. در همین راستا، پرسش اصلی پژوهش بر این محور استوار است که عوامل مؤثر و تعیین‌کننده بر انحراف مصرف تسهیلات در صنعت بانکداری ایران کدام‌اند؟ و هر یک از این عوامل به چه میزان بر انحراف مصرف تسهیلات در بانک‌ها تأثیرگذارند؟ در ادامه پژوهش به مبانی نظری، روش‌شناسی، تحلیل یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

1 International Monetary Fund
2 Kishan & Opiela
3 Gambacorta & Mistrulli
4 Gambacorta & Mistrulli
5 Barth et al
6 Labonne & Lamé
7 Košak et al
8 Olszak et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۱. مبانی نظری

وظیفه بنیادین بانک‌ها در اقتصاد، ایفای نقش واسطه‌گری مالی از طریق تجهیز منابع و تخصیص آن‌ها به بخش‌های مولد است که مستلزم حفظ تعادل میان نرخ بازدهی و تخصیص بهینه منابع است؛ بااین وجود، بروز چالش‌های ساختاری و افزایش مطالبات غیرجاری، کارکرد واسطه‌ای بانک‌ها را با مخاطرات جدی روبرو ساخته است (آنجینر و همکاران[1]، ۲۰۲۶؛ علی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱). در میان این چالش‌ها، بازمهندسی سیستم‌های بانکی برای رهایی از انحرافات تخصیص‌های بانکی، به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی جهت ارتقای کیفیت تخصیص منابع و مدیریت ریسک تسهیالت با ماهیت معکوس خود، از طریق تعدیل شاخص های کفایت سرمایه، منجر به کاهش معنادار حجم وام دهی در سیستم بانکی می شود (خشندو و اسفندیاری، ۱۳۹۳؛ ملکش و همکاران، ۱۴۰۰).

در طی دهه‌های اخیر، صنعت بانکداری دستخوش تغییرات ژرف و عمیقی بوده است. جهانی‌شدن بازارها و نهادهای مالی، همراه با کاهش حکمرانی‌های سیاسی، ابتکارات مالی، انقلاب اطلاعات و کاربرد پیشرفته ارتباطات و فناوری موجب ایجاد بانکداری رقابتی و اصلاح ساختار بانک‌ها شده است (ایمپیوویز و همکاران[2]، ۲۰۲۱؛ ابریشمی و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از کارکردهای اصلی بانک‌ها تبدیل سررسید یعنی گرفتن سپرده کوتاه‌مدت و اعطای وام بلندمدت است. امروزه نقش بانک‌ها در حوزه تأمین مالی و رفع نیازهای سرمایه‌ای کسب‌وکارها امری آشکار است (گامباکورتا[3]، ۲۰۲۵؛ کیم و سوهن[4]، ۲۰۱۷). باتوجه‌به اهمیت این موضوع و ازآنجایی‌که بانک‌ها در ایران از مهم‌ترین فراهم‌کنندگان منابع مالی هستند، بازگشت سرمایه و نحوه مصرف تسهیلات از منبع اصلی مشخص، هم به لحاظ بهبود متغیرهای اقتصادی و هم به لحاظ سودآوری بانک‌ها در بلندمدت، امری حیاتی است (شاهچرا و بیابانی، ۱۴۰۲). در این میان، بانک‌ها برای بقای خود در عرصه رقابت تلاش می‌کنند تا از منظر سودآوری و بازگشت منابع تخصیص‌یافته در خصوص تسهیلات کاراتر عمل کنند (کلیسنس و کلینگیبل[5]، ۲۰۲۱؛ دیماند و دیبیوگ[6]، ۲۰۰۳).

۱-۱-رئالیسم انتقادی

رئالیسم انتقادی، در امتداد رویکردهای فرا اثبات‌گرا، با اتکا بر موضعی انتقادی و تحول‌خواهانه، در برابر قرائت‌های مسلط اثبات‌گرایانه از واقعیت اجتماعی شکل گرفته است. این رویکرد از آغاز، در پی نقد همزمان ساختارهای نابرابر جامعه سرمایه‌داری و محدودیت‌های معرفت‌شناختی اثبات‌گرایی بوده و در همین راستا، بر ضرورت افشای سازوکارهای پنهان تولید

1 Anginer et al
2 Imbierowicz et al
3 Gambacorta
4 Kim & Sohn
5 Claessens & Klingebiel
6 Diamond & Dybvig

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

و بازتولید نابرابری، سلطه و بی‌عدالتی تأکید دارد (بتی و لیانو،[1] ۲۰۲۱؛ دیگان[2] ۲۰۱۷). از منظر رئالیسم انتقادی، علم صرفاً به توصیف «آنچه هست» محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند در شناسایی سازوکارهای مولد وضعیت موجود و فراهم‌سازی امکان تغییر آن نیز نقش‌آفرین باشد؛ بنابراین، این رویکرد با فلسفه علوم تجربی صرف که ناظر بر توصیف پدیده‌ها بدون توجه به ابعاد هنجاری و رهایی‌بخش آن‌هاست، تفاوت بنیادین دارد. در این چارچوب، پژوهش انتقادی به‌ویژه در حوزه‌های میان‌رشته‌ای نظیر سیاست، جامعه‌شناسی و علوم اداری، می‌کوشد تبیینی متفاوت از روابط اجتماعی و سازوکارهای قدرت ارائه دهد (معینی علمداری، ۱۳۹۴).

در ادبیات نظری، هر نوع پژوهش غیر اثبات‌گرا الزاماً در ذیل پژوهش انتقادی قابل‌طبقه‌بندی است؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اصلی نظریه انتقادی، رد پوزیتیویسم به‌عنوان تنها منبع معتبر تولید دانش و مبنای داوری علمی است. این رویکرد در آغاز تحت‌تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی شکل گرفت، اما به‌تدریج در مسیر مستقلی توسعه یافت و از جبرگرایی، مادی‌گرایی تقلیل‌گرا و قرائت‌های سخت‌گیرانه از مارکسیسم علمی فاصله گرفت (پاور و همکاران، ۲۰۰۳). روی بسکار (۱۹۷۹) به‌عنوان بنیان‌گذار این مکتب، استدلال می‌کند که علم همواره به کشف سازوکارهای پنهان، مانند نیروهای گرانشی یا تعامل‌های مولکولی، متکی بوده است؛ بنابراین تأکید رئالیسم انتقادی بر سازوکارهای غیرقابل مشاهده، حدسی نیست بلکه در چارچوب فلسفی محکمی ریشه دارد.

در فضای پژوهشی ایران نیز رئالیسم انتقادی به‌عنوان یک آلترناتیو جدی در علوم اجتماعی مطرح شده است. این مکتب متأخر، ضمن بررسی انتقادی دو پارادایم اصلی پوزیتیویستی و هرمنوتیکی در ابعاد هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، به‌عنوان جایگزینی برای رویکردهای غالب معرفی شده است .از نظر رئالیست‌های انتقادی، ماهیت واقعیت اجتماعی دارای سه لایه «واقعی»، «رویدادی» و «تجربی» است که لایه واقعی همان مکانیسم بنیادی خلق و تحول واقعیت‌های اجتماعی است و باید مورد تأکید و مطالعه محققین علوم اجتماعی باشد. این در حالی است که بیشتر تحقیقات اجتماعی محدود به کشف لایه رویدادی واقعیت اجتماعی‌اند (بنی‌فاطمه و همکاران، ۱۳۹۸). بسکار با ارائه روش پژوهشی «استرجاعی[3]» سعی در شناخت لایه‌های بنیادی‌تر واقعیت اجتماعی دارد و معتقد است انتقاد مداوم از یافته‌ها و تجارب انسان‌ها از جامعه هم سبب دستیابی به معرفت معتبر می‌شود و هم امکان رهایی‌بخشی را فراهم می‌کند. در حوزه مطالعات سازمان و مدیریت، رئالیسم انتقادی با تأکید بر لایه‌های واقعیت، سازوکارهای علّی و تعامل ساختار و عاملیت، جایگزینی قوی برای پارادایم‌های تحصّل‌گرایی و تفسیرگرایی ارائه می‌دهد. با این‌حال، عملیاتی‌سازی این چارچوب فلسفی در پژوهش‌های سازمانی، به‌ویژه در زمینه شناسایی و تأیید تجربی سازوکارهای علّی، ترکیب روش‌های کمی و کیفی و حساسیت به بستر، با چالش‌های متعددی مواجه است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۳) .منتقدان استدلال می‌کنند که تمرکز رئالیسم انتقادی بر سازوکارهای زاینده غیرقابل مشاهده می‌تواند به

1 Anne Beatty& Scott Liao
2 Craig Deegan
3 Retroduction

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

استدلال‌های حدسی منجر شود که پایه تجربی ندارند؛ اما حامیان آن پاسخ می‌دهند که این تأکید، حدسی نیست بلکه در چارچوب فلسفی محکمی ریشه دارد (سیر، ۱۳۸۸، ترجمه افروغ).
رئالیسم انتقادی از آن جهت برای این پژوهش مناسب است که پدیده‌های مورد مطالعه را نه صرفاً به‌مثابه نتایج رفتار فردی منفرد، بلکه به‌عنوان برآیند سازوکارهای ساختاری، نهادی و منافع متعارض تحلیل می‌کند. به بیان دیگر، در موضوع انحراف مصرف تسهیلات بانکی، مسئله اصلی صرفاً وقوع یک تخلف اجرایی یا یک تصمیم مدیریتی خاص نیست؛ بلکه چگونگی شکل‌گیری و تداوم شرایطی است که در آن منابع بانکی می‌توانند از هدف اولیه خود منحرف شوند یا بانک‌ها به سمت فعالیت‌های غیربانکی و بنگاه‌داری سوق یابند. از منظر این رویکرد، انحراف مصرف تسهیلات می‌تواند حاصل تداخل منافع و ضعف در سازوکارهای کنترلی باشد؛ زیرا زمانی که بانک، تسهیلات‌گیرنده، نهاد ناظر و حتی واسطه‌های مالی در شبکه‌ای از روابط نابرابر و بعضاً غیرشفاف قرار می‌گیرند، احتمال انحراف منابع از مسیرهای مصوب افزایش می‌یابد. بنابراین، استفاده از رئالیسم انتقادی در این پژوهش به این دلیل است که این نظریه قادر است ورای توصیف واقعیت، سازوکارهای پنهان و لایه‌های عمیق‌تر شکل‌دهنده به انحراف مصرف تسهیلات را آشکار سازد و تبیینی منسجم، چندلایه و زمینه‌مند از رابطه میان آن‌ها ارائه دهد.

۲. پیشینه تجربی

سیستم تسهیلاتی و ثبات بانکی انجام داد و به این نتیجه رسید که شفافیت تسهیلاتی بیشتر و نظارت مؤثر بر مصرف تسهیلات، احتمال شکست بانک‌ها و سهم وام‌های غیرجاری را کاهش می‌دهد و سودآوری را افزایش می‌دهد. پاسپوراس و همکاران[1] (۲۰۱۹) پژوهشی را با عنوان «آیا نظارت بانکی بر رشد وام بانکی تأثیر می‌گذارد؟» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که رتبه‌بندی ضعیف در بین مشتریان تأثیر منفی زیادی بر انحراف مصرف تسهیلات بانکی دارد، حتی پس از واپایش تأثیر سیاست‌های پولی، سرمایه بانک و شرایط نقدینگی و هرگونه کاهش داوطلبانه در وام‌دهی ناشی از عملکرد ضعیف ناظران بر قراردادهای تسهیلاتی در شبکه بانکی است. ماتوسیک و سولومان[2] (۲۰۱۸) نیز پژوهشی را با عنوان «افزایش کیفیت وام از طریق شفافیت» انجام دادند و نتایج حاکی از آن بود، تسهیلاتی که شفافیت اطلاعاتی بیشتری دارند، کیفیت بهتری با احتمال نکول کمتر، مبلغ معوق کمتر، روزهای کمتر در انقضا و زیان کمتر در هنگام نکول از خود به جای می‌گذارند. علاوه بر این، بانک‌هایی که جمع‌آوری اطلاعات تسهیلاتی فشرده‌تری دارند و آن‌هایی که تحت انضباط بیشتری پرداخت می‌شوند، تحت استانداردهای گزارش‌دهی جدید، بهبود بیشتری را در کیفیت وام تجربه می‌کنند.
در ایران نیز، استواری و همکاران (۱۴۰۴) الگوی عدالت‌محور مدیریت تسهیلات در نظام بانکی مناطق کم‌برخوردار را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد این الگو با عملیاتی‌سازی قواعد فقهی معاملات اسلامی شامل وفای به عهد، منع غرر و منع اکل مال به باطل، کارایی فنی را با مشروعیت شرعی پیوند می‌دهد. تحلیل سناریومحور با داده‌های رسمی

1 Pasiouras, F., Tanna, S., & Zopounidis, C
2 Matousek, R. & Solomon, H.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

بانک مرکزی نیز حاکی از کاهش معنادار نرخ انحراف مصرف تسهیلات از حدود ۱۰ درصد به ۲ تا ۳ درصد و بهبود زمان واکنش نظارتی است. همچنین، اسماعیل‌پور و همکاران (۱۴۰۴) پژوهشی را با عنوان «تحلیل ثبات بانک با تأکید بر شوک‌های اقتصاد کلان در اقتصاد ایران» انجام دادند و دریافتند که شوک‌های حجم پول، تورم، تولید، درآمدهای نفتی و نرخ ارز، اثر موج ماندی در صنعت بانک ایجاد می‌کند که این اثر حدود ۳ تا ۶ سال در بخش بانک ماندگار می‌شود و از سوی دیگر، تأثیر تورم، حجم پول، نرخ ارز بر بخش بانک طولانی‌تر و ماندگارتر از تأثیر شوک‌های تولید و درآمدهای نفتی است و بانک به شوک‌های تورم و نرخ ارز نسبت به سایر شوک‌ها زودتر واکنش نشان می‌دهد؛ به طوری که افزایش حجم پول به سرعت به حوزه فعالیت‌های تولید و سرمایه‌گذاری سوق پیدا نمی‌کند و احتمالاً با تأخیر این عمل اتفاق می‌افتد و شوک تورم در اوایل دوره تأثیرش بر ثبات بانک بیشتر و در اواخر دوره تأثیرش کاهش می‌یابد. نیک‌قلب و همکاران (۱۴۰۲) نیز پژوهشی را با عنوان «نظارت اثربخش بر فرایند اعتبارات بنا به چارچوب حاکمیت شرکتی در بانک ملی» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که استفاده از تحلیل عاملی، ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری، تمامی ابعاد بر متغیر حاکمیت شرکتی با رویکرد نظارت اثربخش بر تسهیلات در سطح اطمینان ۹۵٪ تأثیر مثبت و معناداری داشته‌اند. همچنین نتایج نشان داد که ابعاد سرمایه انسانی و پایش و واپایش، بیشترین و بُعد عدالت‌جویی، کمترین ضریب همبستگی را در مدل داشته باشند. همچنین فعال نصیری و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی را با عنوان «سازوکار اثرگذاری عوامل اقتصادی بر حجم سپرده بانکی در نظام بانکی ایران» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که متغیرهای نوسانات نرخ ارز و نرخ تورم، بحران‌های مالی جهانی تأثیر منفی و متغیرهای قیمت نفت، نقدینگی، نرخ سود سپرده بانکی و تسهیلات بانکی تأثیر مثبت بر حجم کل سپرده‌های بانکی دارند. با توجه به نتایج؛ یکی از چالش‌هایی که در شبکه بانکی ایران وجود دارد، انحراف مصرف تسهیلات می‌باشد، لذا سیاست‌های پولی به عنوان منبع تأمین مالی و منشأ رانت می‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود به منظور بهبود فضای رقابتی و بانکی کشور در جهت تعدیل انحراف مصرف و هدایت آن به بخش حقیقی اقتصاد، قوانینی در جهت بازدارندگی مصرف تسهیلات در مراکز فاقد موضوعیت قراردادهای تسهیلاتی وضع گردد. فتحی آقابابا و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «تأثیر تسهیلات بانکی در حوزه‌های مختلف اقتصاد بر رشد ارزش افزوده صنعت، خدمات، کشاورزی و ساختمان و مسکن» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که تسهیلات ارائه‌شده غیروظیفه‌ای و وظیفه‌ای بر ارزش افزوده در حوزه‌های اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری داشته است. در این میان سهم تسهیلات ارائه‌شده به خدمات، صنعت و معدن، ساختمان، مسکن و... کشاورزی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر ارزش افزوده داشته است؛ درحالی‌که محل مصرف تسهیلات کمترین همخوانی را با قراردادهای بانکی بین بانک و مشتریان نشان می‌دهد. حاجی‌ها و تقی‌زاده (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «تمرکز مشتری و قراردادهای وام بانکی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که با افزایش تمرکز مشتری، بانک‌ها احتمالاً قوانین سخت‌گیرانه‌تری را برای شرکت‌ها در نظر می‌گیرند، در نتیجه شرکت با محدودیت‌های تأمین مالی مواجه می‌شود. همچنین با افزایش اهرم مالی و حساب‌های پرداختی که شاخص‌های مهمی در تصمیم‌گیری بانک‌ها برای اعطای وام هستند، تأمین‌کنندگان مالی با

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

تردید مواجه شده و تلاش می‌کنند که از طریق دریافت وثیقه، محدودیت‌های بیشتری را بر شرکت‌ها اعمال کنند. سید نوری و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان «عوامل مؤثر بر انحراف تسهیلات اعطایی در ایران» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که امروزه نظام بانکی نقش مهمی در اقتصاد ایفا می‌نماید؛ در واقع بانک‌ها، مؤسسات خدماتی هستند که ضمن جمع‌آوری سپرده‌ها، نسبت به اعطای تسهیلات اقدام می‌نمایند. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های موجود در نظام بانکی، عدم مصرف صحیح تسهیلات اعطایی است که منجر به انحراف تسهیلات می‌شود. انحراف تسهیلات به دلیل وجود اطلاعات نامتقارن قبل و بعد از اعطای تسهیلات در عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای رخ می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که طی این سال‌ها علی‌رغم افزایش تعداد و مبلغ تسهیلات پرداختی به متقاضیان، تعداد پرونده‌های بدون نظارت و در نتیجه انحراف تسهیلات به شدت کاهش یافته است. همچنین، بارانی و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی مصرف اعتبارات اعطایی» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که تنها متغیرهای بعد خانوار، سطح تحصیلات و میزان کل درآمد سالانه قبل از اخذ وام، با اطمینان ۹۵ درصد و یا بیشتر از آن، اثر معنی‌داری روی احتمال تخصیص وام دریافتی به امور کشاورزی دارند. به‌علاوه، احتمال انحراف اعتبارات به هدف (فعالیت‌های کشاورزی)، به طور متوسط ۳۷ درصد است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، واکاوی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر و تعیین‌کننده و محدودساز انحراف مصرف تسهیلات صنعت بانکداری ایران است که از لحاظ نتیجه اجرا توسعه‌ای-کاربردی است، از منظر زمانی، مقطعی و به لحاظ ماهیت داده‌ها و روش‌های تحلیل، توصیفی – پیمایشی است. منطق گردآوری داده‌ها از نوع استقرایی است و قلمرو زمانی پژوهش، سال ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ می‌باشد. رویکرد روش شناسی پژوهش حاضر از نوع آمیخته و به دو بخش زمینه بنیان و مدل‌یابی معادلات ساختاری تقسیم می‌شود. در بخش کیفی و اجرای روش پژوهش کیفی و به‌منظور دستیابی به دیدگاه‌های صاحب‌نظران نسبت به تدوین سؤالات پژوهش برای احصای ابعاد زمینه بنیان توسط خبرگان اقدام گردید. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل: ۱) خبرگان نظام بانکداری که حداقل ده سال سابقه مدیریت اجرایی در بانک‌های دولتی و خصوصی داشته باشند؛ ۲) اساتید خبره در رشته امور بانکی با حداقل مرتبه علمی استادیار؛ ۳) کارشناسان رسمی دادگستری در امور بانکی تشکیل دادند که مشارکت‌کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته داده‌های کیفی مورد واکاوی قرار گرفتند. در فاز کمی، به منظور اعتبارسنجی الگو و سنجش میزان تأثیرگذاری هر یک از مولفه‌های نوظهور، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بر پایه مفاهیم استخراج شده از بخش کیفی طراحی گردید. جامعه آماری این مرحله شامل مدیران ارشد، رؤسای شعب بانکی، اساتید دانشگاهی و دانشجویان دکتری رشته‌های بانکداری و مهندسی مالی تشکیل یافتند که با فرمول کوکران نمونه‌گیری شدند. تحلیل داده‌های این بخش با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و به کمک نرم‌افزار PLS3 صورت پذیرفت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

به‌منظور سنجش پایایی داده‌های کیفی از روش ارزیابی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) استفاده شده است. چهار محور اعتبارپذیری، تأییدپذیری، تکرارپذیری و اثبات‌پذیری مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.
همچنین به‌منظور سنجش روایی داده‌های کیفی، از رویکرد کریستوفرسون و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شده است. در ادامه به‌منظور ارزیابی پایایی داده‌های کمی منتج از پرسش‌نامه آزمون آلفای کرونباخ در نرم‌افزار PLS3 مورداستفاده قرار گرفت. بدین منظور نتایج حاصل از آن در جدول ۳ ارائه شده است. با توجه به اینکه ضرایب محاسبه شده بیش از ۷/۰ می‌باشد، پایایی داده‌های کمی موردتأیید قرار می‌گیرد.
به‌منظور اجرای آزمون روایی واگرا داده‌های کمی از آزمون فورنل و لاکر (۱۹۸۱) استفاده شده است. اساس این روش تعیین رابطه هر مؤلفه با معرف‌هایش و با سایر مؤلفه‌ها می‌باشد. مقادیر ضریب همبستگی بین مؤلفه‌ها در قطر اصلی و جذر مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده مربوط به هر مؤلفه در جدول ۴ ارائه شده است.
به‌منظور اعتبارسنجی مؤلفه‌های نوظهور الگوی مفهومی از رویکرد معادلات ساختاری استفاده شده است. مفاهیم مستخرج از بخش کیفی، پس از کدگذاری استقرایی، دسته‌بندی و مرتب گردید و پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته با تأیید ۵ نفر از اساتید تدوین گردید. از نمونه آماری متشکل از ۷۵ قلم پرسش‌نامه قابل‌ارزیابی، ۱۷ نفر در پانل مصاحبه‌شوندگان بخش اول قرار داشتند. همچنین ۲۴ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان و ۷۶ درصد آن‌ها را مردان تشکیل دادند. ۲۳ درصد مدرک دکتری ۱۵ درصد دانشجوی دکتری رشته حسابداری ۴۲ درصد از پاسخ‌دهندگان با مدرک تحصیلی دکتری کارشناسی ارشد و ۲۰ درصد با مدرک کارشناسی در این بخش مشارکت نمودند. در مدل‌سازی معادلات ساختاری، سنجه رایج برای ایجاد روایی همگرا در سطح سازه، میانگین واریانس استخراج شده می‌باشد. نتایج این بخش در جدول ۵ ارائه شده است.

۴. یافته ها

ویژگیهای توصیفی مشارکت کنندگان بخش مصاحبه پژوهش ا ز نوع غیرتصادفی و قضاوتی به شرح جدول 1 میباشد. برجسته ترین ویژگی موردنظر برای اساتید مجرب دانشگاهی ، دارا بودن رتبه حداقلاستادیاریو عضویت در هیئت علمی دانشگاه های معتبر می باشد. برای سایر م شارکت‌کنندگان، دارابودن حداقل ده سال سابقه اجرایي در زمینه تخ ص صي مورد فعالیت، ملاك واجد شرایط بودن برای انجام م صاحبه و تکمیل پر سش‌نامه در نظر گرفته شده است. ویژگي‌های در نظر گرفته شـده برای انتخاب آگاهانه مشـارکت‌کنندگان این بخش با تأیید ۵ نفر از اسـاتید صـاحب‌نظر صورت پذیرفته است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

جدول ۱: ویژگي‌های توصيفي مصاحبه‌شوندگان

حوزه کاری	دامنه	رتبه علمي			میزان تحصیلات		میزان تجربه شغلي (به سال)		
		دانشیار	دانشیار	استادیار	کارشناسي‌ارشد	دکتری	۱۰ از کمتر	۲۰ الي بين ۱۰	تا ۳۰ ۲۰ بين
اساتيد دانشگاهي در رشته امور بانكي	٤	۲	۲	-	-	٤	-	۱	۳
كارشناسان رسمي دادگستری در رشته امور بانكي	۳	-	-	۱	۲	-	۱	۱	۱
مديران ارشد بانكي در بانك مركزی	٤	-	-	۱	۲	۲	-	۳	۱
خبرگان نظام بانكي	٦	--	-	-	٥	۱	۱	۳	۲
مجموع	**۱۷**	**۲**	**۲**	**۲**	**۹**	**۷**	**۲**	**۸**	**۷**

منبع: يافته های تحقيق

به‌منظور سنجش پايايي داده‌های كيفي از روش ارزيابي لينكولن و گوبا[1](۱۹۸۵) استفاده شده است. چهار محور اعتبارپذيری، تأييدپذيری، تكرارپذيری و اثبات‌پذيری مورد بررسي قرار گرفته و نتايج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول۲: بررسي پايايي داده‌های كيفي

عنوان	اعتبار	قابليت انتقال	تأييدپذيری	قابليت اطمينان
توضيح‌های مرتبط با شاخص‌ها و مؤلفه‌های پژوهش	اعتبارپذيری ابزار پژوهش باتوجه‌به استفاده از روش زمينه بنيان و معادلات ساختاری موردتأييد است.	باتوجه‌به استفاده از روش آميخته، تعميم‌يافته‌ها به‌منظور انحراف مصرف تسهيلات كافي است.	تطبيق مناسبي بين نتايج با تحليل‌ها وجود دارد.	محتوا به‌خوبي توانسته است سطح اطمينان نتايج را توسعه ببخشد.

منبع: نتايج تحقيق

1 Lincoln & Guba

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

همچنين به‌منظور سنجش روايي داده‌های كيفي، از رويكرد كريـ ستوفر سون[۵]و[۳] همكاران (۲۰۱۰) ا ستفاده شده ا ست. در ادامه به‌منظور ارزيابي پايايي داده‌های كمي منتج از پرسش‌نامه آزمون آلفای كرونباخ در نرم‌افزار PLS_3 مورداستفاده قرار گرفت. بدين منظور نتايج حا صل از آن در جدول ۳ ارائه شده ا ست. باتوجه‌به اينكه ضرايب محا سبه شده بيش از ۰/۷ مي‌باشد، پايايي داده‌های كمي موردتأييد قرار مي‌گيرد.

جدول ۳: نتايج آلفای كرونباخ برای هركدام از معيارها

ابعاد	آلفای كرونباخ
نوسانات نرخ ارز و بازار پول	۰/۸۰۱
تداخل بانكي و تجاری	۰/۷٦۳
محدوديت مالي بين‌المللي	۰/۷۲۹
برآيند ساختارهای نهادی	۰/۷۱۱
ابزارهای نظارت مالي	۰/۷۲۳
تخصيص بهينه منابع و مصارف بانكي	۰/۷۱٤
تورم و سود ثابت	۰/۷٥۰
بستر فرهنگي و اجتماعي	۰/۷۱٤
سامانه پايش مصرف	۰/۷۳۳
سياست‌زدگي مديريتي	۰/٦۹۱
خلأ و نقص قوانين و نظارت	۰/۷۰۱
قراردادهای مشاركتي	۰/۷۱۱

منبع: نتايج تحقيق

به‌منظور اجرای آزمون روايي واگرا داده‌های كمي از آزمون فورنل ولاركر (۱۹۸۱) استفاده‌شده است. اساس اين روش تعيين رابطه هر مؤلفه با معرف‌هايش و با ساير مؤلفه‌ها مي‌با شد. مقادير ضريب همبستگي بين مؤلفه‌ها در قطر ا صلي و جذر مقادير ميانگين واريانس استخراج‌شده مربوط به هر مؤلفه در جدول ٤ ارائه شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

جدول ۴: نتایج ماتریس فورنل و لارکر

مؤلفه‌ها	ارز نرخ نوسانات	و تجاری بانکي تداخل	ثابت و سود تورم	ساختارهای برآیند تأیید	مالي نظارت ابزارهای	منابع و بهینه تخصیص	اجتماعي و فرهنگي	مدیریتي سیاست‌زدگي	ثابت سود و تورم	و نظارت قوانین خلأ	منافع تعارض	مصرف پایش سامانه
نوسانات نرخ ارز	۱/۰۰۰											
تداخل بانکي و تجاری	۰/۳٤۳	۱/۰۰۰										
تورم و سود ثابت	۰/۳۳۸	۰/٥٤۰	۱/۰۰۰									
برآیند ساختارهای نهادی	۰/۲۲۱	۰/۲۹۰	۰/۰۸۹	۱/۰۰۰								
ابزارهای نظارت مالي	۰/۵۲٦	۰/٥٦۰	۰/٤٦۱	۰/٥٥۸	۱/۰۰۰							
تخصیص بهینه منابع و مصارف بانکي	۰/۲٦٤	۰/۱۸۰	۰/۲۲٦	۰/٤٤۹	۰/۳۳۸	۱/۰۰۰						
فرهنگي و اجتماعي	۰/٥٤۰	۰/٤٦۹	۰/۳٥۹	۰/٥۲٦	۰/۱۳۰	۰/۲۲۱	۱/۰۰۰					
سیاست‌زدگي مدیریتي	۰/۲٦٤	۰/٥٦۱	۰/٤٦٥	۰/٦٤٥	۰/٥٦۱	۰/٤٥۸	۰/٥٥٥	۱/۰۰۰				
تورم و سود ثابت	۰/۲٦٤	۰/۲۳٥	۰/٦٥۱	۰/٥٦٦	۰/٦٥٤	۰/٥٦۹	۰/٦٦۱	۰/٥۹۱	۱/۰۰۰			
خلأ قوانین و نظارت	۰/۲٦٤	۰/۳۲۱	۰/۳۳٦	۰/٥۹۹	۰/۸٥۲	۰/٦٥۱	۰/۹٥٦	۰/۳۳۳	۰/٥٦۱	۱/۰۰۰		
تعارض منافع	۰/۲٦٤	۰/۲۲۱	۰/٤٦۱	۰/٥۸۷	۰/۹٦۱	۰/٤۸٦	۰/۳۲٥	۰/٥٤۱	۰/٥٦۲	۰/۷۸۱	۱/۰۰۰	
سامانه پایش مصرف	۰/۲٦٤	۰/۳۲٥	۰/٥۸۰	۰/٥۹۹	۰/٦۳۳	۰/٦۸٥	۰/٥٥٤	۰/۳۲۱	۰/٦۳٥	۰/٥٥۱	۰/۱٦۸	۱/۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق

به‌منظور اعتبارسنجي مؤلفه‌های نوظهور الگوی مفهومي از رویکرد معادلات ساختاری استفاده شده است. مفاهیم مستخرج از بخش کیفي، پس از کدگذاری استقرایي، دسته‌بندی و مرتب گردید و پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته با تأیید ٥ نفر از اساتید تدوین گردید. از نمونه آماری متشکل از ۷٥ فقره پرسش‌نامه قابل‌ارزیابي، ۱۷ نفر در پانل مصاحبه‌شوندگان بخش اول قرار داشتند. همچنین ۲٤ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان و ۷٦ درصد آن‌ها را مردان تشکیل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

دادند. ۲۳ درصد از پاسخ‌دهندگان با مدرك تحصيلي دكتری، ٤٢ درصد دانشجوی دكتری رشته حسابداری، ۱۵ درصد مدرك كارشناسي‌ارشد و ۲۰ درصد با مدرك كارشناسي در اين بخش مشاركت نمودند. در مدل‌سازی معادلات ساختاری، سنجه رايج برای ايجاد روايي همگرا در سطح سازه، ميانگين واريانس ا ستخراج شده مي‌با شد. نتايج اين بخش در جدول ۵ ارائه شده ا ست. همان‌طور كه م شاهده مي شود، مقادير بارهای عاملي مؤلفه‌های پنهان مدل، بيش از ۰/٤ ا ست كه به لحاظ آماری معني‌دار بوده و مؤيد تشريح مناسب واريانس معرف‌های متناظر خود نيز مي‌باشد. همچنين، ميانگين واريانس استخراج‌شده هر يك از مؤلفه‌ها بيش از ۰/٤ است كه نشان مي‌دهد مدل برازش شده، از همگرايي مناسبي برخوردار است و مؤيد تحليل عاملي تأييدی نيز مي‌باشد.

نتايج تحليل م سير و ضرايب هريك از شاخص‌های انحراف م صرف ت سهيلات در جدول 5 بيان شده است. همان‌طوركه مشاهده مي‌شود، محدوديت مالي بين‌المللي به ميزان ۰/٦۲۵ و بسترسازی فرهنگي و اجتماعي به ميزان ۰/٤۷۰ به ترتيب بي شترين و كمترين تأثير را بر انحراف مصرف ت سهيلات بانكي دارد. ساير ضرايب م سير هريك از شاخص‌های نوظهور به شرح جدول زير مي‌باشد.

جدول ۵: نتايج تحليل مسير مؤلفه‌های پژوهش (ميزان اثرگذاری)

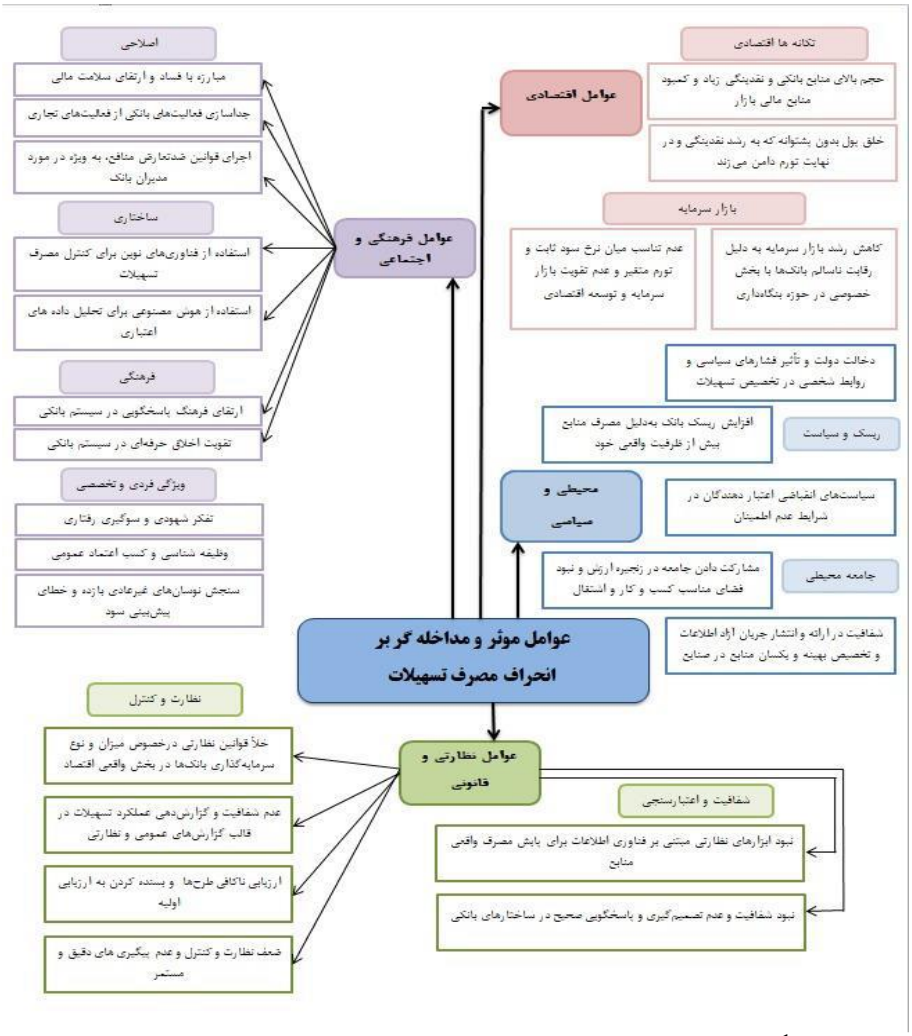
ضرايب تأثير	ضرايب	P-value
نوسانات نرخ ارز و بازار پول	۰/٦۰۲	<۰/۰۰۱
تداخل بانكي و تجاری	۰/۵۳۹	<۰/۰۰٦
محدوديت مالي بين‌المللي	۰/٦۲۵	<۰/۰۱۰
برآيند ساختارهای نهادی	۰/۵٤٦	<۰/۰۱۲
ابزارهای نظارت مالي	۰/۵۸۹	<۰/۰۰۲
تخصيص بهينه منابع و مصارف بانكي	۰/٤٦۲	<۰/۰۰۱
تورم و سود ثابت	۰/۵٤۱	<۰/۰۰۹
بسترسازی فرهنگي و اجتماعي	۰/٤۷۰	<۰/۰۰۲
سامانه پايش مصرف	۰/۵٤۹	<۰/۰۰۲
سياست‌زدگي مديريتي	۰/۵۲۹	<۰/۰۰۱
خلأ و نقص قوانين و نظارت	۰/۵۷۱	<۰/۰۰٤
قراردادهای مشاركتي	۰/۵٦۲	<۰/۰۰۳

منبع: يافته های تحقيق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

توسعه نظری

شـاخص های مؤثر و تعیین کننده انحراف مصـرف تسـهیلات شـامل نوسـانات نرخ ارز و بازار پول، تداخل بانکی و تجاری، محدودیت مالی بین المللی، برآیند ساختارهای نهادی، ابزارهای نظارت مالی، تخصیص بهینه منابع و مصارف بانکی، تورم و سود ثابت، فرهنگی و اجتماعی، سامانه پایش مصرف، سیا ستزدگی مدیریتی، خأل و نقص قوانین و نظارت و قراردادهای مشارکتی احصا گردید که در شکل ۱ .الگوی مفهومی آن ارائه می‌گردد



شکل ۱. الگوی مفهومی و ساختاري انحراف مصرف تسهیلات در صنعت بانکداري ایران (خروجی نرم افزار).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، واکاوی و تبیین عوامل مؤثر و تعیین‌کننده انحراف مصرف تسهیلات بود. برخلاف مطالعات پیشین که غالباً بر جنبه‌های رفتاری یا خطاهای ساده عملیاتی تمرکز داشتند، این پژوهش با اتکا به تئوری رئالیسم انتقادی، تلاش نمود راهبردهای مؤثری در راستای محدودسازی انحراف مصرف تسهیلات بانکی ارائه نماید. در این راستا یافته‌های حاصل از ترکیب روش‌های کیفی و کمی نشان داد که انحراف مصرف تسهیلات بانکی، محصول تعامل میان ابهام اطلاعاتی و ضعف‌های نظارتی و ساختاری است. در گام اول پژوهش و با کمک روش زمینه‌بنیان گردید، در شرایطی که صنعت بانکداری با چالش‌هایی نظیر تحریم‌ها و محدودیت‌های دسترسی به شبکه‌های مالی جهانی مواجه است، بانک‌ها و واسطه‌گران مالی، تمایل به پذیرش ریسک‌های ناشی از انحراف مصرف را به‌عنوان یک استراتژی بقا یا کسب سود کوتاه‌مدت (سفته‌بازی) پیدا می‌کنند. این یافته با یافته‌های تئوریکی اکثر صاحب‌نظران رشته امور بانکی تحت عنوان عدم تقارن اطلاعاتی همسو است که به مشکل محدودیت‌های نظارتی نیز دامن می‌زند. ازسوی‌دیگر، نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری تأیید کرد که انحراف مصرف تسهیلات بانکی، ریشه در ناکارایی یا واسطه‌گری مالی دارد؛ جایی که بانک‌ها به‌جای ایفای نقش تخصیص بهینه منابع در بخش تولید، به سمت تسهیلات غیرمولد و خارج از قرارداد هدایت می‌شوند. این فرایند، چرخه بنگاه‌داری را تقویت کرده و در نهایت، کارایی سیاست‌های پولی بانک مرکزی را مخدوش می‌سازد.

در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه عوامل مؤثر و تعیین‌کننده بر انحراف مصرف تسهیلات در صنعت بانکداری ایران کدام‌اند و هر یک از این عوامل تا چه میزان بر انحراف مصرف تسهیلات در بانک‌ها تأثیرگذارند؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که انحراف مصرف تسهیلات از برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، نهادی، نظارتی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد. بر اساس یافته‌های کیفی، مؤلفه‌های نوظهور شامل: نوسانات نرخ ارز و بازار پول، تداخل بانکی و تجاری، محدودیت مالی بین‌المللی، برآیند ساختارهای نهادی، ابزارهای نظارت مالی، تخصیص بهینه منابع و مصارف بانکی، تورم و سود ثابت، مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی، سامانه پایش مصرف، سیاست‌زدگی مدیریتی، خلأ و نقص قوانین و نظارت، و قراردادهای مشارکتی هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها به‌مثابه لایه‌ای از علل مکنون و آشکار، در بازتولید انحراف مصرف تسهیلات نقش دارند و نشان می‌دهند که مسئله مورد مطالعه صرفاً در سطح رفتار فردی مشتریان یا ضعف اجرایی بانک‌ها قابل‌تبیین نیست، بلکه ریشه در ساختارهای عمیق‌تر اقتصادی و نهادی دارد. در این میان، محدودیت مالی بین‌المللی و نوسانات نرخ ارز و بازار پول به ترتیب بیشترین تأثیر و مؤلفه برآیند ساختارهای نهادی کمترین تأثیر را در انحراف مصرف دارند. همچنین، تقویت ابزارهای نظارت مالی و تخصیص بهینه منابع و مصارف بانکی از مؤلفه‌های نوظهور بستر ساز برای محدودسازی انحراف مصرف تسهیلات تبیین شد.

نتایج پژوهش مؤید آن است که در نظام بانکی ایران، انحراف مصرف تسهیلات زمانی تشدید می‌شود که نوسانات محیطی، ضعف ابزارهای نظارت مالی، ناکارآمدی سامانه‌های پایش و نارسایی‌های قانونی و قراردادی هم‌زمان عمل کنند. در چنین شرایطی، حتی وجود منابع مالی کافی نیز لزوماً به تخصیص بهینه و مصرف در مسیر قرارداد منجر نمی‌شود؛ بنابراین، واپایش این پدیده نیازمند رویکردی چندلایه و تلفیقی است که هم اصلاحات نهادی و قانونی را در برگیرد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

و هم ابزارهای نظارتی و فناورانه را تقویت کند. در نهایت می‌توان گفت که یافته‌های این پژوهش، پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، تصویری روشن از ماهیت ساختاری انحراف مصرف تسهیلات ارائه می‌دهد و مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های اصلاحی در نظام بانکی کشور فراهم می‌سازد. در مقام مقایسه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین می‌توان اذعان نمود که این پدیده در نظام بانکی ایران، برخلاف بسیاری از مطالعات کلاسیک در اقتصادهای توسعه‌یافته، ریشه در پیچیدگی‌های ساختاری و اقتصادی دارد؛ درحالی‌که پژوهش‌های پیشین نظیر مطالعات کیشان و اپیال (۲۰۰۰) و گامباکورتا و میسترولی (۲۰۰٤) عمدتاً بر کارایی عملیاتی و ساختارهای بانکداری تجاری در بازارهای تکامل‌یافته تمرکز داشته‌اند، نتایج این یافته تحقیق مؤید آن است که در بستر اقتصاد ایران، متغیرهای کلان نظیر نوسانات نرخ ارز، تورم و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، نقش تعیین‌کننده‌ای در انحراف مصرف تسهیلات ایفا می‌کنند؛ این در حالی است که پژوهش‌های داخلی همچون اثنی‌عشری (۱۳۹۵) و پاک‌مرام و همکاران (۱۳۸۹) بیشتر بر ابهام اطلاعاتی و ضعف نظارت تأکید کرده بودند، اما یافته‌های حاضر با نگاهی گسترده‌تر، مؤلفه‌هایی چون سیاست‌زدگی مدیریتی و ماهیت قراردادهای مشارکت در بانکداری اسلامی را نیز به‌عنوان عوامل نوظهور و تعیین‌کننده شناسایی کرده است که در مطالعات خارجی نظیر بارث و همکاران (۲۰۱٤) یا الیون و لیم (۲۰۱٤) به دلیل تفاوت در ساختار نهادی، کمتر موردتوجه قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، درحالی‌که گزارش‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (۲۰۲۰) بر ضعف‌های ساختاری نظام بانکی ایران و ضرورت تقویت نظارت برای ارتقای ثبات اقتصادی تأکید دارند، این پژوهش با تکیه بر رویکرد رئالیسم انتقادی، نشان داد که انحراف مصرف تسهیلات تنها یک نقص اجرایی نیست، بلکه محصول برهم‌کنش میان ساختارهای نهادی، خلأهای قانونی و الزامات نظارتی خاص است؛ امری که با الگوهای رفتاری مشاهده شده در مطالعاتی همچون کوساک و همکاران (۲۰۱۵) که بر مدیریت ریسک در محیط‌های پایدار تمرکز داشتند، تفاوت ماهوی دارد و نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در الگوهای سنتی نظارت در مواجهه با اقتصادهای تحت فشار قرار گرفته است.

۶. پیشنهادها کاربردی حاصل از نتایج پژوهش

بر اساس نتایج احصا شده و با هدف تبدیل دانش پژوهشی به راهکارهای اجرایی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- ✓ ایجاد پروتکل‌های نظارتی پویا: به‌جای تمرکز صرف بر تخصیص اولیه، بر ردیابی چرخه حیات تسهیلات تمرکز داشته باشند. این امر مستلزم ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال برای ردیابی نقدینگی از مرحله ورود به حساب تسهیلات تا مرحله مصرف نهایی در بخش حقیقی است.

- ✓ تدوین و اجرای قوانین سخت‌گیرانه در مورد مراکز فاقد موضوعیت قرارداد: بانک مرکزی باید سازوکارهای مالیاتی و حقوقی را به‌گونه‌ای تقویت کند که هزینه انحراف مصرف بسیار فراتر از سود حاصل از سفته‌بازی باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

- ✓ تدوین شاخص‌های جدید برای سنجش ریسک انحراف مصرف: این شاخص‌ها باید در گزارش‌های پایش ریسک بانک‌ها به‌گونه‌ای درج شوند که مستقیماً بر رتبه‌بندی اعتباری بانک‌ها اثر بگذارند.
- ✓ پیاده‌سازی سیستم‌های هوشمند پایش و استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین: برای شناسایی الگوهای رفتاری مشکوک در جریان‌های نقدی پس از تخصیص تسهیلات. این سیستم‌ها می‌توانند با شناسایی سریع رفتارهای خارج از قرارداد، از بزرگ‌شدن حجم انحراف جلوگیری کنند.
- ✓ فراتر رفتن از شناسایی هویت مشتری و ورود به حوزه شناسایی هدفمند مصرف: بانک‌ها باید با تحلیل رفتار اقتصادی مشتری در بازه‌های زمانی مختلف، احتمال انحراف مصرف را در مرحله پیش از امضای قرارداد پیش‌بینی کنند.

۷. محدودیت های پژوهش

علیرغم جامعیت رویکرد آمیخته، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی به شرح زیر روبه‌رو بود:

- ✓ **محدودیت در تعمیم‌پذیری :**به دلیل ماهیت خاص ساختار اقتصاد ایران (تحریم‌ها و ویژگی‌های بانکداری اسلامی)، نتایج این پژوهش ممکن است به‌طور مستقیم در اقتصادهای توسعه‌یافته یا با ساختارهای بانکی متفاوت قابل تعمیم نباشد.
- ✓ **محدودیت زمانی داده‌ها :**داده‌های جمع‌آوری‌شده بازتاب‌دهنده وضعیت نظام بانکی در بازه زمانی خاصی از سال ۱۴۰۴ است و ممکن است با تغییرات ناگهانی در سیاست‌های پولی یا نوسانات کلان، نتایج تغییر کند.
- ✓ **محدودیت در روش نمونه‌گیری :**اگرچه از روش گلوله‌برفی و هدفمند برای اشباع نظری استفاده شد، اما ممکن است برخی دیدگاه‌های نهفته در لایه‌های غیرمدیریتی سیستم بانکی از چرخه مصاحبه‌ها خارج مانده باشد.

۸. پیشنهادها برای پژوهشهای آتی

برای گسترش دانش در حو ه انحراف مصرف تسهیلات، پیشنهاد میگردد:

الف-مطالعات تطبیقی میان سیستم های بانکی با مدله ای اسلامی و غربی جهت شناسایی دقیقتر عوامل ساختاری انحراف مصرف تسهیلات بانکی صورت پذیرد.

ب- استفاده از مدل های سری زمانی یا اقتصاد سنجی پانل برای برر سی اثرات بلندمدت انحراف مصرف بر شاخ های کلان اقتصادی (مانند تورم و رشد اقتصادی).

ج-بررسی نقش فناوریهای مالی همچون "فینتک" و "هوش مصنوعی" در شناسایی خودکار و پیش پیشگیری از انحراف مصرف تسهیلات در بانکهای دیجیتال

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

منابع

۱. اسماعیل پور، ثاسو، حقیقت، جعفر و کریمی تکانلو، زهرا. (۱۴۰۴). تحلیل ثبات بانک با تأکید بر نقش شوک‌های اقتصاد کلان در اقتصاد ایران، *دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۱(۲): ۱۹۱-۲۱۵.

۲. استواری، عباس، توکلی، محمدجواد و پناهی بروجردی، محمدسعید. (۱۴۰۴). الگوی عدالت‌محور مدیریت تسهیلات در نظام بانکی مناطق کم‌برخوردار، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۱(۴): ۶۶-۵۱.

۳. باریشمی، حمید، ابوالقاسم توحیدی‌نیا و احمد حشمی. (۱۳۹۵). مخاطره اخلاقی در عملیات بانکی بدون ربا، *فصلنامه دانش مخاطرات*، ۳(۱): ۴۷-۶۰.

۴. احمدیان، اسماعیل. (۱۳۹۲). *ارزیابی شاخص‌های سلامت بانکی در بانک‌های ایران. تهران*: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.

۵. اثنی‌عشری، حمیده. (۱۳۹۵). رابطه تأمین مالی بانکی با مدیریت هزینه و اثر کیفیت حسابرس بر عملکرد بانک‌ها. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۳۱(۱)، ۲۱-۳۷.

۶. اطاعت، جواد و رضایی، مسعود. (۱۳۹۰). نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در مفاهیم آن، *نشریه روابط خارجی*، ۳(۱۰): ۲۱۳-۲۴۱.

۷. بولو، قاسم و مصدر، رضا. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر در ایجاد تسهیلات غیرجاری در صنعت بانکداری ایران و برآورد آثار ناشی از اندازه‌گیری آن بر مبنای اجرای الزامات استانداردهای گزارشگری بین‌المللی، *فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی*، ۱۵(۲۲): ۲۱۵-۲۴۲.

۸. پاک‌مرام، عسگر، محمدی، بیژن و بیک‌زاد، جعفر. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر کاربرد سیستم‌های مدیریت هزینه در صنعت پتروشیمی ایران، *مجله فراسوی مدیریت*، ۴(۱۴): ۱۳۱-۱۵۶.

۹. ثقفی، علی و سیف، ولی‌الله. (۱۳۸۴). شناسایی و اندازه‌گیری نسبت‌های مالی و متغیرهای اقتصادی بنیادی مؤثر بر سلامت و ثبات نظام بانکی در ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۵(۱۷): ۵۶-۴۱.

۱۰. حاجیه‌ها، زهره و تقی‌زاده، نفیسه. (۱۳۹۷). تمرکز مشتری و قراردادهای وام بانکی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵(۳): ۳۲۷-۳۴۶.

۱۱. خشندو، زهرا و اسفندیاری، مرضیه. (۱۳۹۳). وام‌دهی بانکی و کفایت سرمایه: مقایسه بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های پولی- بانکی*، ۷(۲۰): ۲۱۱-۲۳۵.

۱۲. خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید. (۱۳۹۵). *اصول و مبانی پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی*، انتشارات نگاه دانش، تهران. ۴۳-۵۶.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۱۳. سیدی، سید احمد، عبدلی، محمدرضا و جباری نوقابی، مهدی. (۱۳۹۸). ارزیابی شاخص‌های سلامت مالی بانک‌های تجاری از دیدگاه خبرگان بانکی، مجله پیشرفت‌های حسابداری، ۱۱(۲): ۲۰۷-۲۵۱.

۱۴. شاهچرا، مهشید؛ بیابانی، زینب. (۱۴۰۲). انحراف از کفایت سرمایه بانک و سنجش تأثیر آن در وام‌دهی: شواهدی از ایران. *فصلنامه پژوهش‌های پولی- بانکی*، ۱۶(۵۵): ۱۲۷-۱۵۲.

۱۵. شاهچرا، مهشید و طاهری، ماندانا. (۱۳۹۵). سازوکار انتقال سیاست پولی بر وام‌دهی بانک‌ها از طریق اقلام زیرخط ترازنامه، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۴(۷۸): ۱۷۰-۱۴۵.

۱۶. شاهچرا، مهشید و طاهری، ماندانا. (۱۳۹۶). خلق نقدینگی و الزامات نقدینگی بال ۳ در شبکه بانکی کشور، *فصلنامه روند*، ۷۷(۲۴): ۳۱-۶۴.

۱۷. شاهچرا، مهشید و شایان، لیان. (۱۳۹۳). اثرات همزمان تمرکز بانکی و سیاست پولی بر وام‌دهی بانک‌ها در نظام بانکداری ایران، *فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی*، ۷(۱): ۱۹-۲۷.

۱۸. صابری مجد احمد، صفرزاده محمد امین، صفرزاده معظمه.(۱۴۰۵). آثار حقوقی عدم مصرف تسهیلات بانکی در موضوع عقد، *نشریه اقتصاد و باتمکداری اسلامی*، ۱۵(۵۵): ۳۷-۵۵.

۱۹. علیزاده، شیوا، امیری، حسین، کاکایی، حمید و نوروزی، فریبا. (۱۴۰۱). تأثیر بانک‌داری سایه در مطالبات معوق شبکه بانکی: شواهدی از مدل‌های تغییر رژیمی مارکوف، *فصلنامه پژوهش‌های پولی- بانکی*، ۱۴(۱۸): ۲۹۱-۳۲۵.

۲۰. فتحی آقابابا، محسن، عزیزی، خسرو و محمودزاده، محمود. (۱۳۹۹). اثر تسهیلات بانکی در بخش‌های مختلف اقتصادی بر رشد ارزش افزوده صنعت، خدمات، کشاورزی و ساختمان و مسکن، *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*، ۱۴(۲): ۳۹-۵۰.

۲۱. فعال نصیری، محمدرضا، خوچیانی، رامین، آسایش، حمید؛ سجادی‌فر، سید حسین. (۱۴۰۱). سازوکار اثرگذاری عوامل اقتصادی بر حجم سپرده بانکی در نظام بانکی ایران (آزمون درون‌زایی پول در مقابل برون‌زایی پول)، *مجله اقتصاد مالی*، ۱۶(۲): ۴۱-۵۹.

۲۲. قاسمی احمد آبادی علی، چرمچیان لنگرودی مهدی.(۱۴۰۴). مدل یابی معادله ساختاری بازپرداخت تسهیلات بانک کشاورزی از سوی کشاورزان ساری، مازندران، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۴(۵۲): ۴۸۴-۴۵۷.

۲۳. کارشناسان، علیرضا و خدایاری‌فرد، محمد. (۱۳۹۵). تجزیه و تحلیل عملکرد و رتبه‌بندی بانک‌های ایران با استفاده از نسبت‌های مالی، نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما، ۱-۱۷.

۲۴. مکیان، سیدنظام‌الدین و محبی، رضا. (۱۳۹۲). اطلاعات نامتقارن و وام بانکی: مطالعه موردی سیستم بانکی ایران، *نشریه سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۵(۱۰): ۷۵-۹۵.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۲۵. ملکش، اسماعیل، مهرگان، نادر، عرفانی، علیرضا و ابونوری، اسماعیل. (۱۴۰۰). تعیین ناهمگنی رفتار وام‌دهی بانک‌ها در واکنش به سیاست پولی، *دوفصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۱): ۲۰۱-۲۲۳.

۲۶. موسویان، سیدعباس. (۱۳۸۹). ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۹(۵): ۳۹-۵۵.

۲۷. نیک‌قلب، صیاد شیرکش و حق‌شناس کاشانی، علی. (۱۴۰۳). طراحی مدل حاکمیت شرکتی در نظارت اثربخش بر تسهیلات اعطایی بانک ملی، *فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی*، ۱۵(۵۷): ۲۷۹-۲۹۸.

۲۸. وطن‌پرست، محمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی تحلیلی اثبات‌گرایی و رئالیسم انتقادی در پژوهش‌های حسابداری، *نشریه حسابداری و منافع اجتماعی*، ۶(۲): ۴۱-۵۴.

29. Abdul Karim, Z., Azman-Saini, W. N. W., & Abdul Karim, B. (2011). Bank lending channel of monetary policy: Dynamic panel data study of Malaysia. *Journal of Asia-Pacific Business, 12*(3), 225–243.
30. Alper, K., Hülagü, T., & Keleş, G. (2022). *An empirical study on liquidity and bank lending* (Working Paper No. 12/04). Central Bank of the Republic of Turkey.
31. Anginer, D., Demirguc-Kunt, A., Huizinga, H., & Ma, K. (2026). Corporate governance of banks and financial stability. *Journal of Financial Economics, 14*(25), 256–269.
32. Ax, C., Greve, J., & Nilsson, U. (2018). The impact of competition and uncertainty on the adoption of target costing. *International Journal of Production Economics, 115*(1), 92–103.
33. Banker, R., & Fang, S. (2023). *Loan financing and real cost management*. SSRN. www.ssrn.com
34. Barth, J. R., Caprio, G. J., & Levine, R. (2004). Bank supervision and regulation: What works best? *Journal of Financial Intermediation, 13*(2), 205–248.
35. Barth, J. R., Lin, C., Ma, Y., Seade, J., & Song, F. M. (2023). Do bank regulation, supervision and monitoring enhance or impede bank efficiency? *Journal of Banking & Finance, 20*(4), 2879–2892.
36. Beatty, A., & Liao, S. (2021). Do delays in expected loss recognition affect banks' willingness to lend? *Journal of Accounting and Economics, 52*(1), 1–20.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

37. Berrospide, J. M., & Edge, R. M. (2010). *The effects of bank capital on lending: What do we know, and what does it mean?* Board of Governors of the Federal Reserve System.
38. Casu, B., Girardone, C., & Molyneux, P. (2026). *Introduction to banking* (Vol. 10). Pearson Education.
39. Cesaroni, T. (2025). Procyclicality of credit rating systems: How to manage it. *Journal of Economics and Business, 82*(5), 62–83.
40. Claessens, S., & Klingebiel, D. (2001). Competition and scope of activities in financial services. *The World Bank Research Observer, 16*(1).
41. Gambacorta, L. (2025). Inside the bank lending channel. *European Economic Review, 49*(7), 1737–1759.
42. Ibusuki, U., & Kaminski, P. C. (2022). Product development process with focus on value engineering and target-costing: A case study in an automotive company. *International Journal of Production Economics, 105*(2), 459–474.
43. Imbierowicz, B., Löffler, A., & Vogel, U. (2021). The transmission of bank capital requirements and monetary policy to bank lending in Germany. *Review of International Economics, 29*(1), 144–164.
44. International Monetary Fund. (2011). *Islamic Republic of Iran: Staff report for the 2011 Article IV consultation: Selected issues* (IMF Country Report No. 11/242). International Monetary Fund.
45. Kim, D., & Sohn, W. (2017). The effect of bank capital on lending: Does liquidity matter? *Journal of Banking & Finance, 77*(2), 95–107.
46. Kishan, R. P., & Opiela, T. P. (2000). Bank size, bank capital, and the bank lending channel. *Journal of Money, Credit and Banking, 32*(1), 121–141.
47. Košak, M., Li, S., Lončarski, I., & Marinč, M. (2015). Quality of bank capital and bank lending behavior during the global financial crisis. *International Review of Financial Analysis, 37*, 168–183.
48. Labonne, C., & Lamé, G. (2014). *Credit growth and bank capital requirements: Binding or not?* [Working paper].
49. Li, N., & Lee, Y. (2015). The bank-lending channel of monetary policy transmission in China: A comparison between Chinese and foreign banks. *Korea and the World Economy, 16*(2), 167–193.
50. Matousek, R., & Solomon, H. (2018). Bank lending channel and monetary policy in Nigeria. *Research in International Business and Finance, 45*(1), 467–474.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

51. Olszak, M., Pipien, M., Roszkowska, S., & Kowalska, I. (2014). *The effects of capital on bank lending in large EU banks—The role of procyclicality, income smoothing, regulations and supervision* (Working Paper No. 5). University of Warsaw, Faculty of Management.
52. On, E. (2024). Moral hazard, dividends, and risk in bank. *Journal of Business Finance and Accounting, 41*(3), 256–268.
53. Parasiz, M. İ. (2022). *Para, banka ve finansal piyasalar*. Ezgi Kitabevi Yayınları.
54. Pasiouras, F., Tanna, S., & Zopounidis, C. (2019). The impact of banking regulations on banks' cost and profitability: Cross-country evidence. *International Review of Financial Analysis, 14*(5), 294–302.
55. Shaddady, A., & Moore, T. (2019). Investigation of the effects of financial regulation and supervision on bank stability: The application of CAMELS-DEA to quantile regressions. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money, 58*, 96–116.
56. Teddlie, C., & Yu, F. (2018). Mixed methods sampling: A typology with examples. *Journal of Mixed Methods Research, 1*(1), 77–100.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]